



رنسانس یا فرصت‌سوزی حرفه‌ی حسابداری ایران؟!

نگاهی به تحولات اخیر بورس اوراق بهادار در ایران

قیمت سهام در بورس سهام کاراکاس (ونزوئلا) این شرایط را آغاز ونزوئلایی شدن بورس و اقتصاد ایران می‌دانند. در این شرایط، دیدگاه ما هر چه باشد، واقعیت مسلم و انکارناپذیر این است که این روزها در معاملات بورس ایران (مجموعه‌ی بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران) سه پیشران اصلی حرف اول را می‌زنند: فشار نقدینگی، نوسه‌امداران و حمایت‌های دولتی!

سیل بنیان افکن نقدینگی!

چند ماهی است که رشد خیره‌کننده‌ی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران در صدر اخبار رسانه‌ها و حتی نقل محافل گوناگون است. افراد طیف‌های مختلف جامعه، از اقتصاددانان و حسابداران حرفه‌ای تا مردم کوچه و بازار، در دوقطبی شکل‌گرفته در این باره یا به دفاع سفت و سخت از این روند می‌پردازند و این شرایط را رنسانس بورس در ایران می‌نامند، یا در مقابل، با به‌کار بردن پیوسته‌ی کلید واژه‌ی "حباب" و حتی مقایسه‌ی این وضعیت با رشد



محسن قاسمی

دبیرکل انجمن حسابداران خبره ایران
سردبیر مجله حسابدار

حجم نقدینگی این روزهای اقتصاد ایران که به زعم بعضی کارشناسان به صورت افسارگسیخته و آن افزون در حال افزایش است، چیزی نمانده که مرز شگفت‌آور سه میلیون میلیارد تومان را رد کند! آمار بورس حاکی از این است که ورود مبلغی حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان (کمتر از دو هزارم درصد!) از این حجم حیرت‌انگیز نقدینگی چنین تلاطمی را در بورس پدید آورده است. این روزها ارزش بازار مجموعه‌ی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران به مبلغ بی‌سابقه‌ی بیش از پنج میلیون میلیارد تومان بالغ شده است، و در نگاه نخست با توجه به این مبلغ حدود دو برابر حجم نقدینگی اقتصاد ایران است، به نظر می‌رسد بورس ظرفیت جذب مبالغ بالاتر نقدینگی را هم داشته باشد. ولی پایین بودن درصد سهام شناور آزاد شرکت‌های پذیرفته‌شده چنین ظرفیتی را در دسترس قرار نمی‌دهد. میانگین سهام شناور آزاد شرکت‌های پذیرفته‌شده چیزی حدود ۱۶ درصد است. یعنی عملاً حدود هشتصد هزار میلیارد تومان از سهام این شرکت‌ها در بورس قابل معامله هستند. ضمن این که بخش بسیار بزرگی از دارندگان همین سهام خرد نیز در شرایط این روزهای بورس فروشنده نیستند. بدین ترتیب، حتی ورود چند هزار میلیارد تومان نقدینگی به بازار نیز سمت تقاضا را به شدت پر قدرت می‌کند. این روزها فشار تقاضا برای خرید سهام آن چنان پر قدرت شده است که روند اصلاح‌های مقطعی قیمت سهام که پیش از این چندین هفته و حتی چند ماه به طول می‌انجامید، از چند ساعت در یک روز معاملاتی فراتر نمی‌رود! در این مقاطع اصلاحی، عرضه‌ی سهام شرکت‌هایی که رشدهای ده‌ها درصدی را طی چند روز تجربه کرده‌اند، در مواجهه با تقاضای خرید تاب نمی‌آورند، و در غلبه‌ی این تقاضاهای پر قدرت بر عرضه‌ها، به اصطلاح اهالی

این روزهای بورس، "رالی" بعدی قیمت سهام دوباره آغاز می‌شود! و تنها پشیمانان این روزهای به اصطلاح "اصلاح قیمت‌ها" فروشندگان سهام هستند که گاه در همان روز فروش سهام‌شان در کف قیمت‌ها، دوباره در سقف قیمت‌ها در صف خرید می‌نشینند و اگر سهام از کف‌رفته دوباره گیرشان بیاید باز هم برنده هستند!!

این نوسهامداران احساسی!

این روزها با هجوم اقشار مختلف مردم به شعب کارگزاری‌ها و دفاتر پیش‌خوان دولت شاهد جهش بی‌سابقه‌ی شمار صدور کدهای معاملاتی هستیم. به گفته‌ی مدیرعامل شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه‌ی وجوه، طی کمتر از چهار ماه نخست سال ۱۳۹۹ بیش از چهار میلیون کد معاملاتی جدید صادر شده است، که این مقدار بیش از چهار و نیم برابر کدهای صادرشده در سال ۱۳۹۸ (مجموعاً نهصد هزار کد) و بیش از چهل برابر (!) کدهای صادرشده در سال ۱۳۹۷ (مجموعاً یکصد هزار کد) است. بدین ترتیب، تعداد شرکت اشخاص حقیقی و حقوقی در عرضه‌های اولیه‌ی سهام در بورس که تا یکی، دو سال پیش از دویست، سیصد هزار کد معاملاتی فراتر نمی‌رفت، امروز از مرز چهار و نیم میلیون کد معاملاتی فراتر رفته و همچنان نیز رو به فزونی است. از سوی دیگر، در اثر آزادسازی سهام عدالت نیز ده‌ها میلیون ایرانی از سرتاسر کشور عملاً به جمع ذینفعان بورس افزوده شده‌اند. این روزها دیدن افرادی از اقشار مختلف جامعه که در محیط‌های مختلف در حال رصد کردن معاملات روزانه‌ی بورس از طریق رایانه، لپ‌تاپ، تبلت، و گوشی‌های تلفن همراه هستند به صحنه‌ای عادی و روزمره تبدیل شده است. جوانان و نوجوانان دهه هفتادی و دهه هشتمادی طبقه‌ای جدید از نوسهامداران بورس را در ایران تشکیل داده‌اند که با دیدن بازدهی‌های خیره‌کننده‌ی این

روزهای بورس نور امید درخشان در جان‌شان فروخته شده است و همه‌ی آمال و آرزوهای دست‌یافتنی و دست‌نیافتنی خود را در این بازار جست‌وجو می‌کنند. کار به جایی کشیده است که حتی رد پای بورس و سهام و سهامداری به آگهی‌های بازرگانی صدا و سیما هم باز شده است و برندهای مختلف تولیدی و خدماتی که سهام‌شان در بورس پذیرفته شده است با یک تیر دو نشان می‌زنند و هم محصولات و خدمات و هم سهام‌شان را تبلیغ می‌کنند.

یکی از اصلی‌ترین و مشهودترین تاثیرات ورود این نوسهامداران حاکم شدن جو احساسی بر معاملات روزانه‌ی بورس در ایران است. طی این مدت به وفور شاهد روزها، ساعت‌ها و حتی دقایقی بوده‌ایم که صف‌های خرید ده‌ها و صدها میلیونی و بالعکس تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی که جمع کثیری از افراد غیرمتخصص دل به دریای یکی از تخصصی‌ترین بازارهای سرمایه‌گذاری زده‌اند، اتفاق ناگزیری که شاهد وقوع آن هستیم، ساده‌سازی جمعی مفاهیم پیچیده و تحمیل این مفاهیم تقلیل‌گرایانه به کل بازار و حتی متخصص‌ترین افراد است! این نوسهامداران از قواعد ساده‌ی ساخته و پرداخته ذهن خود پیروی می‌کنند. در نظر این افراد، سهمی ارزان‌تر است که ارزان‌تر باشد! این چنین است که افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها که برای اغلب شرکت‌ها کوچکترین تاثیری در سودآوری و جریان‌های نقدی‌شان ندارد، به بهترین خبر بازار این روزها تبدیل شده است و بازدهی‌های چندصد درصدی را برای سهامداران در پی دارد.

ناز بورسی‌ها و نیاز دولتی‌ها!

این روزها دولت ایران در حال تجربه کردن یکی از دشوارترین شرایط سال‌های اخیر است.

از یک سو تحریم‌های امریکا در فرایند صادرات، مبادلات پولی و بانکی، و سرمایه‌گذاری خارجی کشور اختلال اساسی ایجاد کرده است؛ و از سوی دیگر، رکود تورمی حاکم بر اقتصاد ایران و بحران جهانی دنیاگیری و ویروس کرونا فرایند مالیات‌ستانی از مودیان بزرگ و کوچک را با ابهام اساسی مواجه ساخته است. در چنین وضعیتی اقبال عمومی مردم به بورس و هجوم آنان برای خرید هر نوع سهم و اوراق مالی مبتنی بر سهام که بازدهی بیش از تورم داشته باشد، برای دولت یک موهبت بی‌بدیل و ارزنده است. این روزها فقط مالیاتی که دولت از معاملات روزانه‌ی سهام در بورس و فرابورس اخذ می‌کند (نیم درصد مبلغ معاملات) چیزی معادل صادرات ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار بشکه نفت در روز است! و جالب‌تر این که حجم معاملات و قیمت سهام شرکت‌ها نیز هر چه بیشتر افزایش یابد این پایه‌ی مالیاتی نیز افزایش پیدا می‌کند. چنین مبلغی در شرایطی که صادرات نفت ایران به حدود ۱۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته و انتقال بهای همین فروش اندک نیز با دشواری‌های اساسی مواجه است، یک مبلغ معنی‌دار برای دولت به شمار می‌آید. علاوه بر این، با طراحی صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک دارا یکم، دارا دوم و دارا سوم که شامل باقی‌مانده‌ی سهام دولت در شرکت‌های بزرگی، از جمله، بانک تجارت، بانک ملت، بانک صادرات ایران، بیمه‌ی البرز، بیمه‌ی اتکایی امین، فولاد مبارکه‌ی اصفهان، ملی مس ایران، ایران خودرو، سایپا، و پالایشگاه‌های تهران، اصفهان، بندر عباس و تبریز است، تقریباً کل کسری بودجه‌ی برآوردی دولت برای سال جاری از محل پذیره‌نویسی واحدهای این صندوق‌ها قابل تأمین است.

در این شرایط، نه تنها هشدارهای اقتصاددانان و حسابداران حرفه‌ای مبنی بر شکل‌گیری

حباب در قیمت شماری از سهام خریدار ندارد، بلکه کوچکترین اظهارات یا اقداماتی که موجب شکستن خواب در چشمان تر سهامداران شود و موجبات تشویش خاطر آنان را فراهم آورد نیز به سرعت از سوی مقامات دولتی و حاکمیتی التیام می‌یابد. از جمله‌ی این رویدادها می‌توان به نگرانی سهامداران از آزادسازی یک‌باره‌ی سهام عدالت و وضع مالیات بیشتر بر فروش سهام اشاره کرد که پس از چند روز تأثیر منفی بر قیمت سهام با اقدامات و اظهارات دولتمردان و نمایندگان مجلس التیام یافت. در همین راستا، دولت و مجلس از راه‌های مختلف، از جمله، اعطای مجوز افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها، اعطای مشوق‌های مالیاتی، افزایش نرخ فروش محصولات و خدمات صنایع مختلف شرکت‌های بورسی، و دادن امتیازات دیگر تمام تلاش خود را بر فرستادن سیگنال‌های مثبت به بورس معطوف کرده‌اند.

رنسانس یا فرصت‌سوزی حرفه‌ی حسابداری ایران؟!؟

این روزها که عروسی به کوچ‌های فعالان بورسی رسیده است و جمع کثیری از نوسهامداران را هم به‌این جشن و پایکوبی کشانده است، همه چیز در این بازار گل و بلبل است! ولی چه کسی است که نداند، این شرایط دیر یا زود دیگر گونه خواهد شد؟! در آن روز، در بدترین حالت که همگی ما نگران آن هستیم، خیل عظیمی از نوسهامداران که در قیمت‌های بالاتر از ارزش ذاتی سهام وارد این بازار شده‌اند در اثر ریزش دسته‌جمعی قیمت‌ها با زیان‌های هنگفت مواجه خواهند شد، و هم بخش بزرگی از سرمایه‌ی خود را از دست خواهند داد و هم تا دنیا دنیاست اعتمادشان از این بازار سلب خواهد شد. مشابه شرایطی که سهامداران (البته به مراتب کم شماتر) اواسط دهه‌ی ۱۳۷۰ با آن

مواجه شدند و اگر همین الان هم پای صحبت آنان بنشینیم اسم بورس و سهم که به گوششان بخورد، نفس در سینه‌شان حبس می‌شود. ولی در بهترین و آرمانی‌ترین حالت، بورس در سایه‌ی تدابیر دولت، مجلس، و همه‌ی فعالان این بازار می‌تواند پس از این پرواز چندین ماهه فرود مطمئنی بر زمین ثبات داشته باشد. به طوری که هم سرمایه‌ی سهامداران قدیم و جدید حفظ شود، و هم این جمع کثیر چند ده میلیونی در این بازار باقی بمانند و سهامداری به بخشی از فرهنگ مردمان این سرزمین تبدیل شود.

با تحقق هر یک از این دو شرایط، وضعیت آینده‌ی حرفه‌ی حسابداری ایران به شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. در صورت سقوط فاجعه‌بار بورس حرفه‌ی ما تاریخی‌ترین فرصت برای توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه‌ی خود را از دست خواهد داد، و مشخص نیست چقدر زمان باید بگذرد تا دوباره چنین فرصتی به دست آید. ولی در صورت رسیدن این بازار به ثبات پایدار، و شرایطی که قیمت سهام دیگر همانند این روزها فله‌ای افزایش نخواهند یافت، این تحلیل تخصصی اطلاعات شرکت‌ها، از جمله، تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی آنها خواهد بود که برندگان بازار فردا را مشخص خواهد کرد. در چنان شرایطی، همانند همه‌ی اقتصادهای بورس‌محور جهان که حرفه‌ی حسابداری آنها نیز هم‌پای رشد بازار سرمایه‌شان توسعه‌ی همه‌جانبه را تجربه کرده است، حرفه‌ی حسابداری ایران نیز رویای دیرین خود را تحقق یافته خواهد دید. از این رو، بجاست که هم نهادهای حرفه‌ای و دانشگاهی حسابداری ایران و هم فعالان حرفه و دانشگاه در شرایط این روزها از هر ابزار ممکن که در دسترس است، برای رساندن وضعیت بازار سرمایه‌ی کشور به ثبات پایدار بهره‌جویند. امید که این آرزو محقق شود.